



حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا فَعَلَيْنَ أُمْتَعْنُ وَأَسْرُخُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً (۲۸) وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْراً عَظِيماً (۲۹) يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيراً (۳۰) وَمَن يَقْتُ مِّنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحاً ثَوَّتْهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقاً كَرِيماً (۳۱) يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِذْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيْطَمَعُ الَّذِى فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلاً مَّعْرُوفاً (۳۲) وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (۳۳) وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفاً خَبِيراً (۳۴)﴾

بررسی مدرک روایی بر اخلاص علی (علیه السلام) در نبرد با عمرو بن عبدود

بعد از جریان احزاب و قصه خندق، آن جریان حضرت امیر (سلام الله علیه) گرچه به صورت تاریخ در بعضی از کتابها آمده ولی آنچه بعضی از آقایان زحمت کشیدند به عنوان یک خبر مرسل از وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم هست که اینها نقل کردند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود شما این مطلب را

از خود علی بن ابی طالب (علیه السلام) پرسید که چرا از روی سینه عمرو بلند شد چند لحظه ای تحمل کرد بعد دوباره رفت^۱ خب طبق این نقل ها معلوم می شود که این ریشه روایی دارد يك خبر هست منتها مرسل.

سرّ مضاعف شدن عذاب همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در صورت ارتکاب گناه

بعد از آن جریان احزاب درباره اصول خانوادگی وجود مبارك پیغمبر مطالبی را فرمود. فرمود شما دو سمت دارید یکی اینکه زن مسلمانید یکی اینکه به بیت نبوت مرتبط هستید هم شخصیت حقیقی مسئولیت می آورد هم شخصیت حقوقی مسئولیت می آورد گرچه در اسلام ﴿جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا﴾^۲ هرگز ذات اقدس الهی بیش از گناه، کیفر نمی دهد این عبارت ﴿جَزَاءُ وَفَاقًا﴾^۳ در قرآن کریم يك بار ذکر شده است آن هم درباره معصیت است کیفر، فقط معادل گناه است بیش از آن نیست ممکن است کمتر باشد این تحدید به لحاظ نفی اکثر است نه به لحاظ نفی اقل یعنی بیشتر از آن نیست نه کمتر از آن نمی شود در خیلی از موارد ممکن است ﴿وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾^۴ شامل حال يك تبهکار بشود به هر تقدیر ﴿جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا﴾ اما اینجا که فرمود اگر کسی يك گناه بکند ﴿يُضَاعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ﴾ معنایش این نیست که «جزاء سَيِّئَةٍ سَيِّئَتَانِ» بلکه معنایش این است که «جزاء سَيِّئَتَيْنِ سَيِّئَتَانِ» شما دو سَيِّئَه کردید دو کیفر دارید زیرا يك شخصیت حقیقی دارید که زن مسلمانید يك شخصیت حقوقی دارید که به بیت وحی مرتبط هستید گناهی که کردید هم وظیفه شخصیت حقیقی تان را رعایت نکردید و هم حرمت شخصیت حقوقی را نگه نداشتید این طور نیست که اگر ﴿يُضَاعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ﴾ آمده با آیاتی که دارد ﴿جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا﴾ هماهنگ نباشد آنجا یعنی در جریان بیت نبوت چون دو سَيِّئَه هست دو عذاب هم خواهد بود.

۱. رك: المناقب، ج ۲، ص ۱۱۵.

۲. سورة شوری، آیه ۴۰.

۳. سورة نبا، آیه ۲۶.

۴. سورة شوری، آیه ۳۰.

عاقبت بخیری همسران در گرو همراهی با پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

بعد فرمود در بیت شما هم اصول دین مطرح است هم فروع دین، اگر کسی دنیا بخواهد هم اصول دینش را از دست می‌دهد هم فروع دینش را، اول فروع دین را از دست می‌دهد کم کم به سوء خاتمه مبتلا می‌شود اصول را هم از دست می‌دهد اما ارتباط با بیت وحی و نبوت رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) هم اصول، محفوظ است هم فروع.

بررسی ادبی کلمه «تعال» در آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ... فَتَعَالَيْنَ﴾

فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيِّنَهَا فَتَعَالَيْنَ﴾ کلمه «تعال» در سوره مبارکه «آل عمران» و اینها معنا شد که این کلمه و این واژه اولین بار در استعمال عربی برای کسانی بود که در این روستاها که زندگی می‌کردند معمولاً در سینه کوه آن خانه‌ها را می‌ساختند در دشت جا برای کشاورزی بود این فرزندان‌شان روز که می‌شد از منزل‌ها می‌آمدند سرازیر می‌شدند در دشت برای کار کشاورزی عصر که می‌شد اولیای اینها به این فرزندان می‌گفتند: «تعالوا» یعنی بیایید بالا، اگر کسی در يك منطقه بالایی باشد از پایینی‌ها دعوت کند می‌گویند تعال اما اگر هم سطح باشد می‌گویند إلیّ إلیّ گرچه بعداً این کلمه تعال توسعه پیدا کرد و به جای إلیّ إلیّ هم کاربرد دارد ولی اصل وضعش برای کسی بود که در جای بالاست از افرادی که در جای پایین‌اند دعوت می‌کند بیایند بالا انبیا چون در قلّه انسانیت‌اند دیگران را دعوت می‌کنند می‌گویند: ﴿تَعَالَوْا أَتْلُ﴾^۵ کذا و کذا این «تعالوا» برای اینکه اینها از جایگاه رفیعی سخن می‌گویند.

عدم دلالت آیه ﴿أَمْتَعْنَكُمْ...﴾ بر حکم فقهی طلاق و اقوال آن

﴿فَتَعَالَيْنَ أَمْتَعْنَكُمْ وَأَسْرَحْكُمْ سَرَّاحاً جَمِيلاً﴾ برخی‌ها خیال می‌کردند این يك طلاق است منتها جزء خصائص‌النبی است از اهل سنت این فتوا را دادند در بین ما شیعه‌ها هم عده‌ای هستند که همین را تطبیق می‌دانند

می‌گویند جزء مختصات نبی است اما بزرگانی از فقهای ما هستند مثل مرحوم شیخ طوسی و هم‌فکرانشان (رضوان الله علیهم) می‌فرمایند این ناظر به حکم فقهی نیست که طلاق را در کار داشته باشد این پیشنهاد است که اگر دنیا می‌خواهید بیاید ما شما را طلاق بدهیم نه همین جمله ﴿أُمَّتُكُمْ وَأُسْرُكُمْ﴾ طلاق باشد بیاید ما شما را طلاق می‌دهیم طلاق خوب و متاعی هم به شما می‌دهیم و بروید و اگر آخرت خواستید که می‌مانید ما با این آیه تطهیر يك کار جدی داریم به خواست خدا تا روشن بشود در همه موارد، این ضمیر جمع مؤنث سالم چه نقشی دارد.

اجر عظیم، ثمره مراعات حریم نبوی توسط همسران

فرمود اگر این کار را کردید ﴿فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ این اجر عظیم غیر از اجرای است که دیگران دارند مستحضرید اگر چیزی فقط در يك جهت زیاد باشد می‌گویند این طویل است در جهت عرض، طویل باشد می‌گویند عریض است در جهت عمق یا ارتفاع زیاد باشد می‌گویند عمیق است یا ارتفاع دارد ولی اگر در مجموع این سه جهت، برجسته باشد و مهم باشد می‌گویند عظیم است ما يك طویل داریم يك عریض داریم يك عمیق، اگر چیزی جامع همه این قسمت‌ها باشد می‌گویند عظیم، اجر عظیم یعنی اجرای است که از هر جهت فراگیر است آن اجر عظیم را مشخص نفرمود که چیست ولی اجمالاً فرمود اگر کسی احسان کرد حرمت شخصیت حقیقی را رعایت کرد حرمت شخصیت حقوقی را رعایت کرد اجر عظیم دارد.

عذاب مضاعف، کیفر عدم رعایت حریم نبوی توسط همسران

بعد فرمود: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ﴾ اگر کسی يك گناه روشنی انجام داد ﴿يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ﴾ با حفظ آن اصل اولی که ﴿جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا﴾ با حفظ همان اصل، عذاب شما دو برابر است برای اینکه شما دو سیئه دارید «جزاء سیئتين سیئتان» ﴿وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا﴾ البته اینکه فرمود اگر کسی از

شما کار خوب بکند ما به او دو برابر می دهیم این منافات ندارد با اینکه فرمود: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا﴾^۷ يك طایفه، ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾^۸ طایفه دیگر، یا اضعاف مضاعف می دهیم که در بخش هایی از سوره مبارکه «بقره» آمده اگر کسی يك حسنه انجام بدهد ده برابر پاداش می گیرد نساء النبي اگر يك حسنه انجام بدهند در حقیقت، دو حسنه است برای هر حسنه «عشرة امثال» است بنابراین اگر آنها يك کار خوب انجام بدهند چون هم حرمت شخصیت حقیقی را رعایت کردند هم حرمت شخصیت حقوقی را رعایت کردند دو کار خیر انجام دادند «فلهنّ عشرون ثوابا» نه «عشرة» برای اینکه اینها دو کار خیر کردند در برابر هر کار خیر هم «عشرة حسنة» است.

معنای قنوت و نقش آن در مضاعف شدن پاداش

﴿وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ﴾ قنوت آن نیایش مستمر است نه اینکه انسان دست بلند کند و به این حالت دعایی که معروف است به عنوان دعای دست باشد، این قنوت منظور نیست قَنَت یعنی «و استمرّ علی العمل الصالح» ﴿وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحاً نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ﴾ چون دو کار کردید دو عمل حسنه محسوب می شود در برابر هر عمل حسنه هم «عشرة امثال» است می شود بیست برابر، این با آن آیات مخالف نیست هماهنگ است.

﴿وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقاً كَرِيماً﴾ آن رزق کریم چیست ذات اقدس الهی می داند. مرحوم شیخ طوسی دارد که این ﴿أَعْتَدْنَا﴾ اصلش «أَعْدَدْنَا» بود «أَعَدَّ» یعنی آماده کرده است «إعداد» یعنی آماده کردن ولی این لازم نیست آن طوری که ایشان در تبیان فرمودند ما بگوییم ﴿أَعْتَدْنَا﴾ یکی از دال ها تبدیل به تاء شده^۹ خود «عَتَدَ» به معنای آماده کردن است اینکه فرمود: ﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾^{۱۰} یعنی آماده، عَتَدَ یعنی آماده شد عَتِيدَ یعنی

۷. سوره نمل، آیه ۸۹؛ سوره قصص، آیه ۸۴.

۸. سوره انعام، آیه ۱۶۰.

۹. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۳۸.

۱۰. سوره ق، آیه ۱۸.

آماده، ﴿أَعْتَدْنَا﴾ هم یعنی آماده کردیم این طور نیست که اصلش «أعدنا» بوده بعد تبدیل شده به ﴿أَعْتَدْنَا﴾. فرمود: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ﴾ این روشن می کند که چرا آنجا در حَسَنه ﴿أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ﴾ است در سَيِّئه ﴿يُضَاعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ﴾ است این تبیین آن است تعلیل آن است برای اینکه شما يك شخصیت حقوقی دارید يك شخصیت حقیقی.

تبیین عدم تعارض جزای مضاعف همسران با ﴿جَزَاءٌ وَفَاقًا﴾

پرسش: ... فرق بین ﴿مَرَّتَيْنِ﴾ و أجر عظیم در اینجا چیست؟

پاسخ: غرض این است که چه آن ﴿مَرَّتَيْنِ﴾ چه این ﴿ضِعْفَيْنِ﴾ برای تبیین این است که شما يك شخصیت حقیقی دارید يك شخصیت حقوقی چون دو شخصیت دارید اگر يك گناه کردید در حقیقت دو گناه است اگر يك ثواب کردید در حقیقت دو ثواب است این حساب های اولی اما آنکه ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا﴾ آن سر جایش محفوظ است آن ﴿خَيْرٌ مِنْهَا﴾ برای بعضی ها رزق کریم است برای بعضی ها اجر عظیم است و مانند آن که ذات اقدس الهی خودش می داند ولی منظور آن است که بدانید شما دو حیثیت دارید دو سِمَت دارید اگر ما يك جا گفتیم ﴿جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا﴾ بعد اینجا گفتیم اگر شما گناه کردید دو برابر عذاب می شوید با آن اصل کلی که درباره تبهکاران آمده که کیفر آنها ﴿جَزَاءٌ وَفَاقًا﴾ همه هماهنگ است شما دو گناه کردید دو کیفر دارید این طور نیست که با ﴿جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا﴾ هماهنگ نباشید حالا آن خیری که انجام دادید چون دو خیر است جزایش محفوظ است ولی ما نگفتیم که جزای حَسَنه فقط حَسَنه است گفتیم ﴿خَيْرٌ مِنْهَا﴾ هم است (يك) ﴿عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾ است (دو) ﴿كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَابِلَ﴾ است که به هفتصد برابر می شود (يك) هفتصد می شود هزار و چهارصد ﴿وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ (دو) ﴿وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^۱ که عدد و رقم بردار نیست (سه) آنها سر جایش محفوظ است گاهی

گاهی از آنها به عنوان اجر عظیم یاد می شود گاهی از آنها به عنوان اجر کریم یاد می شود^۱ او هم حکیمانه اجرت عطا می کند.

تبیین معنای رزق کریم

پرسش: رزق کریم به چه معناست؟

پاسخ: آنکه قرآن کریم راجع به قرآن فرمود: ﴿بِأَيِّ سَفَرَةٍ * كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾^۲ آن رزق های معنوی که به وسیله فرشته ها می آیند قرآن، رزق کریم است معارف، رزق کریم است مطالب نهج البلاغه و صحیفه سجادیه رزق کریم است حشر با فرشته ها رزق کریم است آنها که ﴿جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾^۳ حسابشان جداست عمده تحلیل این مسئله است فرمود اگر ما گفتیم يك گناه کردید دو برابر جزاء می گیرید برای اینکه شما در حقیقت دو گناه کردید نه يك گناه و اگر گفتیم يك ثواب کردید دو برابر پاداش می گیرید در حقیقت دو کار خیر کردید ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ أَتَقَيْنَنَّ﴾ مثل آنها نیستید.

کیفر ویژه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در صورت خلاف در امر رسالت

خود پیغمبر هم همین طور است در سوره مبارکه «حاقه» فرمود خیلی ها مشرک اند جزای آنها معلوم است کیفر آنها معلوم است اما به فرض محال اگر محالاً ذات مقدس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بیراهه برود آن کیفری که به پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر فرض محال می دهیم به هیچ کس نخواهیم داد در سوره مبارکه «حاقه» آیه ۴۴ به بعد فرمود: ﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ﴾ - معاذ الله - يك مختصر حرف هایی که ما نگفتیم پیغمبر به ما اسناد بدهد یا چیزی را که ما گفتیم او به مردم نگوید کتمان بکند ﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ * فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ﴾ خب این تهدید درباره هیچ کس

۱. سوره احزاب، آیه ۴۴.

۲. سوره عبس، آیات ۱۵ و ۱۶.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۵.

نیست این همه مُتنبیان آمدند خدا با آنها این طور رفتار نکرد شما آمار متنبیان را که ببینید کمتر از آمار انبیا نیست این ملل و نحل را بارها شنیدید که چه آنچه ابن حزم نوشته چه آنچه شهرستانی نوشته این ملل را انبیا آوردند نحل را دیگران این تنبی و دعوی نبوت کردن کم نبود اگر برای دیگران وهابیت تراشیدند برای ما بهائیت تراشیدند همیشه این حرف ها بود اما خدا چنین تهدیدی نسبت به آنها اعمال نکرد نه گفت و نه عمل کرد خیلی از متنبیان آمدند و رفتند اما کسی که قولش در اثر اعجاز الهی سگه قبولی خورد مردم باور کردند که این پیغمبر است اگر - معاذ الله - این ذره ای کم و زیاد بکند دین را کم و زیاد کرده است دینی که مقبول مردم است لذا درباره او هیچ گذشت نمی شود فرمود احدی به داد او نمی رسد این تهدید را نسبت به هیچ کسی نکرده نه نسبت به آنها که عملاً مدعی نبوت بودند چنین تهدیدی کرده نفرمود اگر کسی ادعای نبوت بکند ﴿لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ﴾ از این کفار کم نیستند می آیند و می روند گاهی معذب اند گاهی خدا اینها را مهلت می دهد اما درباره شخص پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که حالا مقبول شد یعنی نامه خدا در دست اوست حجت الهی در دست اوست او اگر - معاذ الله - ذره ای کناره گیری کند به بیراهه برود حکمش همین است پس این برای حفظ آن شخصیت حقوقی است. درباره شخصیت حقیقی اش که خب احکام مسلمان های دیگر را دارد.

نهی همسران پیامبر از گفتار نامناسب و مرض آور دانستن آن

فرمود: ﴿لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ﴾ چون این چنین است باید مواظب شخصیت حقوقی تان هم باشید لذا در حرف زدن هایتان هم باید مواظب باشید نه محتوای حرفتان شهوت انگیز باشد نه کیفیت ادای کلمات تان فتنه انگیز باشد ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ﴾ گاهی کیفیت ادا (يك) گاهی محتوا (دو) بدتر از همه، جامع بین کیفیت بد و محتوای بد است (سه) این کار را کردید این مرض آور است ﴿فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾ معلوم می شود که گناه، مرض است حالا اختصاصی به نگاه نامحرم ندارد گناهانی که بدتر از نگاه به نامحرم است آنها هم که یقیناً غده است.

این مرض چند کار را به همراه دارد چون قرآن کریم از چند راه معارف را به انسان می‌آموزاند یکی اینکه عمل صالح زمینه را برای اعمال صالح دیگر فراهم می‌کند انسان به آسانی اعمال خیر را انجام می‌دهد از اعمال شرّ و فتنه و بد منجر می‌شود این روح، لطیف می‌شود به طرف حسنات مایل است به آسانی این کار خیر را انجام می‌دهد ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ﴾^۱ این بخواند نماز شب بخواند یا قرآن قرائت کند یا خیرات دیگر انجام بدهد یا فضایل را تحصیل بکند به آسانی این کار را انجام می‌دهد این خاصیت عمل صالح است یکی هم راه دیگر است چون علوم انسانی تنها علوم حصولی و تصوّر و تصدیق حوزه و دانشگاهی نیست يك علوم شهودی هست که تصور و تصدیق در آن نیست قضیه و قیاس و تمثیل و استقرا نیست لفظ نیست مفهوم نیست شهود است آن را دیگر عقل نظری درک نمی‌کند آن را عقل عملی درک می‌کند یعنی اینکه عهده‌دار عمل است می‌شود شاهد، آنکه عهده‌دار اندیشه است می‌شود حکیم، فیلسوف، فقیه و مانند آن، اینها علوم حصولی است که تصور و تصدیق است این عمل صالح گذشته از اینکه توفیق تهیه اعمال صالح دیگر را فراهم می‌کند راه مشاهده را هم فراهم می‌کند که در سوره «انفال» فرمود: ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾^۲ آن فرق بین حق و باطل، شهود است آن دیگر تصور و تصدیق و امثال ذلك نیست آن کاری به اندیشه ندارد کاری به انگیزه دارد انسان مشاهده می‌کند چه چیزی حق است چه چیزی باطل است ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ بنابراین عمل صالح دو کار مثبت دارد یکی نسبت به سایر اعمال خیر، انسان را آماده‌تر می‌کند یکی برای مشاهده معارف الهی آن چشم دل را بازتر می‌کند گوش دل را شنواتر می‌کند و هکذا اما عمل طالح و گناه این هم دو کار می‌کند یکی اینکه علاقه نسبت به اعمال صالح را کم می‌کند و دست این شخص را نسبت به گناهان بازتر می‌کند میلش را بازتر می‌کند و دیگر اینکه چرکی است روی صحنه دل در بخش عقل عملی این آینه دل را

۱. سوره لیل، آیات ۵ - ۷.

۲. سوره انفال، آیه ۲۹.

چرکین می‌کند دیگر این آینه جایی را نشان نمی‌دهد تعبیر قرآن کریم نسبت به عمل طالح و سیئه این است که ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ﴾^۳ رِن همان چرک است خب اگر روی آینه دل، چرک و غبار بنشیند که جایی را مشاهده نمی‌کند این عقل عملی که نمی‌خواهد بفهمد می‌خواهد ببیند، دیدن بالأخره يك بصیرت درونی می‌طلبد فرمود این رِن است این چرک است (يك) در بخش دیگر فرمود: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾^۴ (دو) اینها چرا درباره قرآن تدبّر نمی‌کنند لکن دلشان قفل است این دلشان قفل است این گناه، قفلی است در دل این دل می‌شود بسته آن وقت چیزی در آن نفوذ نمی‌کند قلب مُقَفَّل چیزی در آن نفوذ نمی‌کند بنابراین هم عمل صالح دو اثر مثبت دارد هم عمل طالح و سیئه دو اثر منفی دارد فرمود این کار را نکنید این مرض، شما را با غده‌های دیگر در بخش‌های معصیت جلو می‌برد (يك) همین مرض، جلوی آینه دل را می‌بندد (دو) نگاه به نامحرم این است ﴿فَيَطْمَعَ﴾^۵ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ.

زمینه‌سازی گناه سرّ نهی از معطر شدن زن‌ها در خیابان

از آن طرف هم در روایات عفاف و حجاب ملاحظه فرمودید این همه فضیلت که برای معطر شدن ذکر شده است که نمازتان را با عطر بخوانید مسجد می‌روید معطر باشید در نماز جماعت و جمعه می‌روید معطر باشید درباره زن‌ها فرمودند برای همسرانتان معطر کنید در خانه هستید معطر باشید فرمود: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ اسْتَعْطَرَّتْ وَ خَرَجَتْ لِيُوجَدُ رِيحُهَا زَانِيَةً»^۵ خب این در روایات ما هست خب این عطر را باید در منزل برای همسرش استفاده کند نه برای بیرون. از آن طرف این خطر هست از طرف مردها هم فرمود: ﴿فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ در معاملاتتان در گفتارتان طرزی حرف بزنید که نه نقص لفظی داشته باشد نه نقص محتوایی داشته باشد نه بدتر از

۳. سوره مطففین، آیه ۱۴.

۴. سوره محمد، آیه ۲۴.

۵. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲۸.

همه جامع بین‌النقصین باشد آن می‌شود منکر این می‌شود معروف خب اینها مسائل اخلاقی، مسائل اجتماعی از این به بعد دیگر مسائل سیاسی شروع می‌شود.

نهی‌های صریح به همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دال بر عدم جواز ورود در فتنه‌های سیاسی اصرار قرآن به همسران پیامبر به صورت صریح که شما این کار را نکنید معلوم می‌شود فتنه‌ای در پیش است خب آدم به افراد عادی به طور عام سخنرانی می‌کند نصیحت می‌کند اما حالا بیاید يك شخصیت ممتاز مملکت را برای او حالا اعلامیه صادر کند نامه صادر کند که شما این کار را نکنید این معلوم می‌شود فتنه‌ای در کار است فرمود همسران پیامبر! شما در مسائل سیاسی، خودتان را به میدان نکنانید در خانه‌هایتان بنشینید خب این ناظر به جنگ جمل است این معلوم می‌شود چنین فتنه‌ای در کار بود چنین خطری در پیش بود قرآن کریم پیش‌بینی کرد فرمود در خانه‌هایتان بنشینید مبدا بیرون بیاید مبادا فتنه کنید فرمود: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾ در خانه‌هایتان باشید، در خانه‌هایتان باشید یعنی رفت و آمد نکنید یعنی در مسجدها نروید اینکه نبود، یعنی در مسائل سیاسی وقتی که شما را خواستند به جنگ جمل بکشاند مواظب باشید عده‌ای دارند بازی می‌کنند ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ آنها زن‌ها را می‌آوردند در صحنه‌های کارزار تا از آنها بهره سوء ببرند مبدا مثل جاهلیت مثل قبل از اسلام بیاید میدان خب این‌طور تعبیر معلوم می‌شود قضیه‌ای در کار است وگرنه به طور عادی آیه نازل بشود که شما در خانه‌هایتان باشید یعنی چه یعنی حشر و نشر نداشته باشید با فامیل‌هایتان صله رحم نداشته باشید اینکه نیست ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ این جاهلیت اولی را هم مرحوم شیخ طوسی هم سیدناالاستاد هم بزرگان دیگر گفتند آن جریان بین آدم و نوح و اینها نیست همین جاهلیت قبل از اسلام است^۶ اینکه یادتان است در جاهلیت چه بود این کار را نکنید خب این منفی و نهی.

۶. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۳۹؛ مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۵۵۸؛ المیزان، ج ۱۶، ص ۳۰۹.

پرسش:.... پاسخ: يك وقت است كه يك عضو عادی می‌شود می‌آید در صحنه يك وقت پرچمدار می‌شود این پرچمداری، تبرج جاهلیت است. آن مسائل عفاف و اینها که در آیه قبل به صورت رقیق ترش را فرمود یقیناً تبرج جاهلیت و خودنمایی و خودآرایی را یقیناً شامل می‌شود اما این پرچمداری فتنه این علمداری این کار همین‌طور بود گرچه وجود مبارك حضرت امیر (سلام الله علیه) بعد از پیروزی جنگ جمل محترمانه آن زن را از صحنه به طرف مدینه اعزام کرد ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾.

لزوم رعایت خطوط کلی دین توسط همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

بعد نسبت به خطوط کلی دین بالصراحه این نماز و زکات را که بهترین پیوند خلق و خالق در بخش عبادت، نماز است بهترین پیوند بین مردم همان اعطای زکات و ایتای حقوق مردم است ذکر کرد ﴿وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ﴾ بعد به طور ذکر عام بعدالخاص فرمود: ﴿وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ که این ﴿أَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ شامل آنها هم خواهد بود البته ﴿أَطِعْنَ اللَّهَ﴾ به این است که هر چه را وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از طرف ذات اقدس الهی از احکام الهی نقل کرد این ﴿أَطِعْنَ اللَّهَ﴾ است اما اطاعت از رسول همان است که در همین بخش‌های قبلی فرمود: ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ﴾ اینکه در آیه شش همین سوره «احزاب» فرمود: ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ﴾ رهبری‌های او، امامت او، ولایت او، مطاع بودن او در مسائل سیاسی و اجتماعی را گوش زد می‌کند لذا اطاعت رسول وقتی در کنار اطاعت خدا قرار می‌گیرد یکی راجع به تبلیغ احکام الهی است یکی هم راجع به ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ﴾ است؛ ﴿وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾.

تا اینجا و همچنین آیه ۳۴ که فرمود: ﴿وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ﴾ ۲۲ ضمیر جمع مؤنث سالم هست که خواندیم یعنی از آیه ۲۸ فرمود: ﴿إِنْ كُنْتُمْ﴾، ﴿تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾، ﴿فَتَعَالَيْنَ﴾، ﴿أُمْتَّعَنَّ﴾، ﴿أَسْرَحَنَّ﴾، ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ﴾، ﴿لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ﴾، ﴿مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ﴾، ﴿مَنْ يَقْتُلْ مِنْكُنَّ﴾، ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ﴾

كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ، ﴿وَقَرْنَ﴾، ﴿وَلَا تَبَرَّجْنَ﴾، ﴿وَأَقِمْنَ﴾، ﴿وَأَطِعْنَ﴾ تا ﴿وَاذْكُرْنَ﴾ تقریباً

۲۲ ضمیر جمع مؤنث سالم است در اثنا می بینید ضمیر جمع مذکر سالم شد که هیچ ارتباطی با قبل و بعد ندارد معلوم می شود این يك مطلب جدید است مطلب تازه است مربوط به يك مخاطب دیگر است.

بررسی ادبی عدم ارتباط آیه تطهیر با آیات قبل و بعد

فرمود: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ حالا این ﴿أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ یا مناداست یعنی «یا اهل البیت» یا منصوب به مدح خاص است «أعنى أهل البيت» و مانند آن؛ بالقول المطلق این با قبل و بعد رابطه ندارد ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾. بنابراین فضای این آیه، قبل و بعد بیش از بیست بار ضمیر جمع مؤنث سالم آمده و این ضمیر جمع مذکر سالم است این برای آن پنج نفر است تغلیبش برای آن است که چهار نفرشان مذکرند، يك نفرشان صديقه کبرا (صلوات الله و سلامه عليهم اجمعين) مؤنث است. حالا گذشته از آن هفتاد روایتی که از طریق ما نقل شده است و روایات معتبری که از طریق اهل سنت نقل شده است که این را متواتر را بین الرشد می کند سیاق آیه هم نشان می دهد که این هیچ ارتباطی با قبل و بعد ندارد و دوتا حصر هم در آن هست یکی ﴿إِنَّمَا﴾ یکی اختصاص ﴿أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ که منصوب است یا به «أعنى» یا «أُخَصَّصَ» و مانند آن.

تفاوت تطهیر در آیه مورد بحث با آیه شش سوره مائده

فرمود من دوتا کار، فقط می خواهم شما را پاک کنم خب این چه تطهیری است اگر تطهیرش تشریعی باشد که در سوره مبارکه «مائده» آیه شش بیان شده به نحو عام یعنی اینکه گفته شد وضو و امثال ذلك طهور است و مانند آن این طهارت تشریعی است در بخش پایانی آیه شش سوره مبارکه «مائده» این است که ﴿إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ﴾ اگر آب نیافتید تیمم بکنید ﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ﴾ این نه ﴿إِنَّمَا﴾ اول در آیه ۳۳

سوره «احزاب» را دارد نه تخصیص ثانی را به همراه دارد هیچ حصری آن را به همراه ندارد معلوم می شود تشریعی است یعنی خدا می خواهد به وسیله دستوراتی که داده است شما را پاک کند ﴿وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ﴾ یعنی ﴿يُرِيدُ﴾ به اراده تشریعی، همه شما را می خواهد تطهیر کند حالا بعضی قبول بعضی نکول اما در جریان آیه محل بحث سخن از اراده تشریعی نیست این اختصاص نشان می دهد که اراده، اراده تکوینی است فرمود: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ﴾ فقط خدا این را می خواهد نسبت به چه کسانی؟ فقط نسبت به شما پنج نفر ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ پس این ﴿إِنَّمَا﴾ نشان می دهد که این اراده، اراده تکوینی است افاضه الهی است تطهیر تکوینی است همان مقام شامخ عصمت است این ﴿أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ هم که منصوب به اختصاص است یعنی فقط درباره شماست ﴿وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾.

علت ذکر آیه تطهیر در کنار آیات دیگر بدون هیچ ارتباط

حالا چگونه این آیه در اینجا واقع شده است به اذن خود پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود یا به اذن خود حضرت در زمان جمع آوری به برکت دستور حضرت امیر (سلام الله علیه) بود ولی بالأخره این آیه [این طور واقع شد] گاهی می بینید با قبل و بعد رابطه ندارد گاهی می بینید در وسط مطلب، يك كار حساسی، يك قضیه حساسی پیش می آید كه يك جمله معترضه قرار می گیرد اگر آیه به همین صورت بود این جمله یقیناً جمله معترضه است اگر در موقع تدوین خود پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حالا یا بالمباشره یا بالتسبیب فرموده است كه این آیه را در فلان جا قرار بدهید این هم ممكن است ولی بالأخره اگر با هم نازل شده باشد برای این است كه گاهی در اثنای يك مطلب حساس، يك جمله معترضه ای نازل می شود این جمله معترضه را انسان همان جا ذكر می كند یا نه، در موقع تدوین به اجازه خود حضرت آنجا آمده است همین بحث را در سوره مباركه «مائده» هم داشتیم در سوره مباركه «مائده» آیه سوم به این صورت است صدرش این است ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا

أَهْلٍ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْحَنِقَّةُ وَالْمَوْقُودَةُ وَالْمُتَرَدِّيةُ وَالنَّطِیْحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذُكِّتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى التُّصْبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسْقٌ ﴿۱﴾ این مضمون این محتوا قبلاً هم نازل شده بود حالا هم نازل شده بعد می فرماید:

﴿الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ﴾ امروز کفار، دیگر از شما ناامید شدند خب برای اینکه ما گفتیم میتة احرام است کفار ناامید شدند قبلاً هم که گفتیم الآن هم که گفتیم یعنی ما با تحریم میتة، همه کفار دیگر از ما ناامید شدند با تحریم میتة حالا دین کامل شده این معلوم می شود که یا با هم نازل نشدند جداگانه نازل شدند به دستور حضرت اینجا گذاشتند یا جمله معترضه است فرمود همه کفار، امروز از شما ناامید شدند این معلوم می شود جریان غدیر را می خواهد بگوید.

پرسش: ... پاسخ: نه، آیه را به طور کلی همه فهمیدند در مورد چه کسی است حالا نام مبارك حضرت نیامده ولی همه فهمیدند مربوط به غدیر است ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۱ بعد فرمود این میتة ای که ما گفتیم حرام است اگر کسی مضطر شد عیب ندارد خب قبل از آن جمله، بعد از آن جمله، هیچ ارتباطی با جمله وسط ندارد.

«و الحمد لله رب العالمين»